

فهرست

- فصل اول - گزیده‌ای از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۱
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۱۲
- فصل دوم - نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم» ۲۳
- فصل سوم - دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن ۲۷
- از قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین ۳۵
- فصل چهارم - نظریات کمیسیون مشورتی آئین دادرسی مدنی دعاوی مالی و غیر مالی «هزینه دادرسی» ۴۰
- فصل پنجم - انواع دادخواست تأمین دلیل / قرار کارشناسی نظریات کارشناسان رسمی و خبره دادگستری ۵۹
- نمونه دادخواست تأمین دلیل / بدون معرفی خوانده «تصادفات» ۶۰
- نمونه دادخواست تأمین دلیل / بدون معرفی خوانده «تصادفات» ۶۱
- نمونه دادخواست تأمین دلیل «تصادفات» ۶۲
- نمونه دادخواست تأمین دلیل در خصوص غبن فاحش / اموال غیرمنقول زمین / ملک مسکونی / آپارتمان / مغازه / باغ / ۶۳
- نمونه دادخواست تأمین دلیل در خصوص تعیین خسارات و غرامات مبیع که مستحق‌الغیر درآمده باشد ۶۴
- نمونه دادخواست تأمین دلیل جهت احراز معیوب بودن خودرو ۶۵
- فصل ششم - انواع قرار کارشناسی ۶۶
- نمونه قرار کارشناسی دادگاه / شورای حل اختلاف / انتخاب کارشناس به قید قرعه (شماره یک) ۶۷

- ۶۸ نمونه قرار ارجاع امر به کارشناس رشته راه و ساختمان (شماره دو)
- ۶۹ نمونه قرار ارجاع امر به کارشناس (شماره سه)
- ۷۰ نمونه ارجاع امر به کارشناس (شماره چهار)
- ۷۱ نمونه ارجاع امر به کارشناس (شماره پنج)
- ۷۲ نمونه ارجاع امر به کارشناس (شماره شش)
- نمونه قرار کارشناسی به منظور ارزیابی ملک مورد وثیقه (امور کیفری) نمونه قرار قبولی وثیقه با
بازداشت سند مالکیت (امور کیفری) ۷۳
- نمونه فرم بازداشت پلاک ثبتی به عنوان وثیقه (امور کیفری) ۷۴
- فصل هفتم - انواع نظریات کارشناسان رسمی / خیره دادگستری** ۷۵
- نمونه بررسی قیمت ملک توسط کارشناس رشته راه و ساختمان / شورای حل اختلاف ۷۶
- نمونه بررسی قیمت ملک توسط کارشناس رشته راه و ساختمان «نتیجه» ۷۷
- نمونه ارزیابی قیمت دو ملک معامله شده توسط کارشناس به منظور احراز غبن فاحش / شورای حل
اختلاف ۷۸
- نمونه تعیین ارزش ملک توسط کارشناس رسمی رشته راه و ساختمان / نوبت اول ۸۰
- نمونه تعدیل نظر کارشناس / ارجاع امر به هیئت ۳ نفره کارشناسان رسمی رشته راه و ساختمان و
نقشه برداری / نوبت دوم ۸۱
- نمونه تعیین اجرت المثل سهم مشاعی از آپارتمان / تأمین دلیل ۸۳
- نمونه رأی دادگاه / مطالبه اجرت المثل ایام تصرف ۸۶
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / نقض قرار و اعاده پرونده ۸۷
- نمونه مطالبه اجرت المثل ۸۹
- نمونه رأی دادگاه / مطالبه اجرت المثل ۹۰
- نمونه ارزیابی و تعیین بهای دو قطعه زمین با کاربری آموزشی ۹۱
- نمونه بررسی دقیق ملک / تأمین دلیل / شورای حل اختلاف ۹۳
- نمونه تقسیم ترکه و تعیین قدرالسهم شورای حل اختلاف ۹۵
- نمونه تعیین میزان سرقتی ۹۹
- نمونه تعیین قیمت زمین با بنای احداثی / دادگاه حقوقی ۱۰۰
- نمونه ارزیابی امکان تسلیم یا عدم تسلیم مبیع ۱۰۱
- نمونه ارزیابی سرقتی ۱۰۲
- هیئت ۳ نفره / تعیین نرخ معاملاتی املاک ۱۰۳

- نظریه هیئت ۳ نفره کارشناسان رسمی تعیین ارزش سرقتی واحد تجاری ۱۰۴
- فصل هشتم - موارد کارشناسی در اجاره.** ۱۰۵
- موارد کارشناسی در اجاره ۱۰۶
- گفتار در تفاوت حق کسب و پیشه و تجارت با حق سرقتی ۱۱۸
- نمونه رأی دادگاه / تخلیه ۱۲۰
- نمونه رأی دادگاه / تجویز انتقال منافع ۱۲۳
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تخلیه عین مستأجر ۱۲۴
- فصل نهم - آراء وحدت رویه نظرات فقهای شورای نگهبان نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری و.....** ۱۲۶
- نمونه رأی دادگاه بدوی / تخلیه / مطالبه منافع به نسبت سهم الارث ۱۳۴
- نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر / تأیید دادنامه بدوی ۱۳۷
- فصل دهم - پرونده تأمین دلیل «جمع آوری دلایل به منظور اثبات خلاف واقع بودن نظریه کارشناس رسمی منتخب دادگاه»** ۱۳۸
- نمونه قرار دادگاه: ترسیم کروکی پلاژ - اجرت المثل و / نظریه کارشناسی معترض علیه ۱۳۹
- نمونه لایحه اعتراض به نظر کارشناس (پلاژ) ۱۴۲
- نمونه دادخواست تأمین دلیل - استعمال از اهل خبره «مراکز علمی و تحقیقاتی و علوم و فنون دریایی» ۱۴۶
- بررسی اختصاری موضوع پیشروی آب دریا ۱۴۸
- پاسخ سازمان زمین شناسی به استعمال شورای حل اختلاف در خصوص موضوع پیشروی آب دریای خزر ۱۴۹
- جدول تغییرات تراز سطح آب دریای خزر از سال ۱۳۶۱ الی ۱۳۸۶ (سازمان بنادر و دریانوردی) ۱۵۰
- نمونه پاسخ مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر به استعمال شورای حل اختلاف ۱۵۱
- وضعیت جغرافیایی شهر بابلسر که از سایت شورای اسلامی شهر بابلسر استخراج شده است ۱۵۳
- نمونه استعمال از شهرداری بابلسر پیرامون مطالب درج شده در وب سایت اختصاصی شورای اسلامی شهر در خصوص وضعیت جغرافیایی شهر بابلسر ۱۵۴
- نمونه پاسخ شهرداری بابلسر به استعمال شورای حل اختلاف ۱۵۵
- نمونه پاسخ انجمن علوم و فنون دریایی به استعمال شورای حل اختلاف ۱۵۶

- نمونه پاسخ مرکز ملی اقیانوس‌شناسی به استعلام شورای حل اختلاف ۱۵۷
- نمونه پاسخ کانون کارشناسان رسمی دادگستری استان مازندران به استعلام شورای حل اختلاف در خصوص موضوع پیشروی آب دریای خزر ۱۵۸
- نمونه دادخواست اثبات مالکیت بر اعیان غیرمنقول / حق تصرف بر عرصه یک باب پلاژ / خلع ید / قلع و قمع / اجرت المثل براساس دلایل جمع آوری شده (نهایی) ۱۵۹
- فصل یازدهم - نظریات کارشناسی** ۱۶۱
- گفتار در تشخیص اصالت ۱۶۲
- نظریه کارشناس رسمی رشته تشخیص جعل (۱) ۱۷۴
- تعیین اصالت سند (۲) / نظریه اکثریت اعضاء کارشناسی ۱۷۵
- نظریه مخالف احد از هیئت ۵ نفره کارشناسان رسمی دادگستری منتخب شعبه بازپرسی / نظریه اقلیت ۱۷۷
- تعیین اصالت سند (۳) ۱۷۸
- فصل دوازدهم - نظریات کارشناسی** ۱۸۰
- نظریه کارشناس خبره ۱۸۱
- لایحه جهادکشاوری در اعتراض به نظریه کارشناسی ۱۸۳
- نمونه نظریه هیئت کارشناسان منتخب «نظریه موافق ۲ از ۳ کارشناس منتخب / نظریه اکثریت» ۱۸۴
- نمونه نظریه مخالف کارشناس سوّم / نظریه اقلیت (اعتراض به ورود اکثریت به ماهیت دعوی) ۱۸۶
- نمونه نظریه کارشناسی / تأمین دلیل ۱۸۷
- نمونه نظریه کارشناس خبره محلی ۱۸۸
- نمونه نظریه کارشناسی / حسب درخواست شخص حقیقی (۱) ۱۹۲
- نمونه نظریه کارشناسی / حسب تقاضای شخص حقیقی ۱۹۳
- فصل سیزدهم - نظریات کارشناسی** ۱۹۴
- نمونه گزارش بررسی حادثه توسط بازرس اداره کار ۱۹۵
- نمونه بررسی علل حادثه ناشی از کار - هیئت ۵ نفره ۱۹۶
- تعدیل نظریه هیئت ۳ نفره / نظریه هیئت ۷ نفره / حوادث ناشی از کار ۱۹۸
- نمونه نظریه هیئت ۵ نفره کارشناسان رسمی دادگستری ۲۰۰
- تعدیل نظریه هیئت ۵ نفره / نظریه هیئت ۷ نفره کارشناسان رسمی دادگستری «رشته حوادث ناشی از کار»

۲۰۲	ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از کار / ردّ نظریات ۱۵ کارشناس رسمی دادگستری / محکومیت به پرداخت دو فقره دیه کامل و.....
۲۰۴	نمونه رأی دادگاه عمومی / رد پیشنهاد تقصیر هیأت کارشناسی
۲۰۶	نمونه نظریه کارشناسی / مسمومیت با سرب در محیط کار
۲۰۹	تسبیب معنی و مفهوم آن.....
۲۱۲	
۲۱۵	فصل چهاردهم - نظریات کارشناسی «کارشناس عمومی ماده ۲۷»
۲۱۶	کارشناس عمومی ماده ۲۷ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان رشته عمران.....
۲۳۱	نمونه رأی دادگاه / صدور حکم بر خلع ید و غیره
۲۳۵	نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
۲۳۷	فصل پانزدهم - نظریات کارشناسی
۲۳۸	تعیین نفقه / شورای حل اختلاف.....
۲۳۹	تعیین نفقه / کارشناس رسمی دادگستری
۲۴۰	نمونه رأی دادگاه بدوی / صدور حکم طلاق از نوع خلع / زوجه تبعه
۲۴۱	نمونه تعیین اجرت المثل ایام زندگی مشترک (۱)
۲۴۲	نمونه دیگر تعیین اجرت المثل ایام زندگی مشترک
۲۴۴	نمونه رأی دادگاه / محکومیت ورثه زوج به پرداخت
۲۴۴	اجرت المثل ایام زندگی مشترک
۲۴۶	نمونه رأی دادگاه تجدیدنظر استان / تأیید دادنامه بدوی
۲۴۸	فصل شانزدهم - «نظریات کارشناسی»
۲۴۹	نمونه تعیین خسارت تأخیر در تأدیه توسط کارشناس
۲۵۲	فصل هفدهم - نظریات کارشناسی
۲۵۳	تعیین مقصر سانحه تصادف / ضرر و زیان حادثه دیده
۲۵۵	نظریه کارشناس رسمی رشته وسائط نقلیه / تعیین اجرت المثل
۲۵۶	فصل هیجدهم - شیوه محاسبه

- روش محاسبه قدرالسهم عرصه و میزان ثمن هر یک از مالکین آپارتمان‌ها روش شماره یک ۲۵۷
- روش محاسبه قدرالسهم ثمن اعیانی برای معامله پیش فروش: روش شماره دو ۲۶۱
- روش محاسبه تعیین قدرالسهم بنای جدید (قابل احداث) برای مشارکت در ساخت: (روش شماره سه) ۲۶۴
- فصل نوزدهم - آیین نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی دادگستری ۲۶۶
- آیین نامه رسیدگی به تخلفات کارشناسان رسمی مصوب خرداد سال ۱۳۶۰ شورایعالی قضایی و اصلاحیه بعدی مصوب سال ۱۳۶۳ شورایعالی قضایی ۲۶۷
- نمونه تذکر روزنامه رسمی ۲۷۱
- فصل بیستم - نحوه ارزیابی وثیقه توسط کارشناس و مراحل بازداشت آن از طریق مرجع مجری نیابت «عملیات تودیع و قبول وثیقه» ۲۷۲
- نمونه برگ تقاضانامه وثیقه گذار برای قبولی وثیقه ۲۷۳
- قبول درخواست وثیقه گذار / اعطای نیابت به دادرای محل وقوع ملک جهت ارزیابی مورد وثیقه و بازداشت آن ۲۷۴
- نمونه نظریه کارشناس رسمی دادگستری و ارزیابی ملک ۲۷۵
- نمونه دستور بازداشت ملک ارزیابی شده به اداره ثبت اسناد ۲۷۶
- پاسخ اداره ثبت اسناد و اعلام بازداشت ملک مورد وثیقه ۲۷۷
- فصل بیست و یکم - نظریات کمیسیون مشورتی آیین دادرسی مدنی (قوه قضائیه) «کارشناسی» ۲۷۸
- فصل بیست و دوم - تعرفه دستمزد کارشناسان رسمی ۲۸۵
- فصل بیست و سوم - ادله اثبات دعوی «شرح مختصر» ۳۰۷
- فصل بیست و چهارم - وظایف واحدهای ارشاد و معاضدت قضائی ۳۱۸
- «وظایف واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی» ۳۳۴
- آیین نامه اجرائی قانون حمایت قضایی از کارکنان دولت و پرسنل نیروهای مسلح ۳۳۶
- فصل بیست و پنجم / بخش اول - قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ ۳۴۰
- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۳۴۱

- فصل بیست و پنجم - بخش دوم / الف - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۷۷/۸/۱۰ مصوب ۱۳۷۸/۲/۲۶ ۳۴۴
- فصل بیست و پنجم - بخش دوم / ب - درخواست‌های حقوقی و اجرای احکام ۳۴۹
- فصل بیست و پنجم - بخش سوم - نحوه اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ۳۶۱
 نمونه تصمیم دادگاه / اعمال ماده ۲ ۳۶۲
 نمونه برگ جلب در امور حقوقی ۳۶۳
 نمونه نامه معرفی محکوم علیه مجلوب به زندان ۳۶۴
- فصل بیست و پنجم - بخش چهارم - اجرای احکام مدنی «نیم عشر دولتی» ۳۶۵
- فصل بیست و پنجم - بخش پنجم - اجرای احکام مدنی انواع آگهی مزایده فروش اموال منقول / غیرمنقول ۳۶۸
 برگرفته از قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ ۳۶۹
 آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول): ۴۲/۷۱ سهم از صد سهم شش‌دانگ یک دستگاه آپارتمان «آگهی مزایده اموال غیرمنقول» ۳۸۲
 نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۳۸۳
 نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت اول ۳۸۶
 نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) نوبت دوم یک باب مغازه (قولنامه‌ای) فاقد سابقه ثبتی ۳۸۷
 آگهی مزایده فروش در اموال غیرمنقول یک قطعه باغ انگور و زمین گندم ۳۸۸
 آگهی مزایده فروش اموال غیرمنقول یک باب ساختمان (قولنامه‌ای) "فاقد سند مالکیت" ۳۸۹
 نمونه آگهی مزایده فروش (اموال غیرمنقول) دستور ضبط وثیقه / یک باب ساختمان دارای سند مالکیت ۳۹۰
 نمونه آگهی مزایده فروش (اموال منقول) ۳۹۱
 نمونه آگهی مزایده فروش اموال منقول ۳۹۲
 نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول فاقد سابقه ثبتی (مرحله اول) ۳۹۳
 نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله اول) ۳۹۴
 نمونه آگهی مزایده اموال غیرمنقول (مرحله دوم) ۳۹۵

- ۳۹۶ نمونه آگهی مزایده فروش اموال غیرمنقول (مرحله اول) /
 نمونه دادخواست مطالبه خسارات ناشی از تأخیر در اجرای حکم (محکوم به) / دیه / چک سفته / حواله /
 برات / ضرر و زیان ناشی از جرم / ارش / غرامات و خسارات / و..... ۳۹۷
- ۳۹۸ فصل بیست و ششم - بیمه شخص ثالث
 نمونه رسید پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث رسید ۳۹۹
 نمونه حواله پرداخت دیه توسط بیمه شخص ثالث ۴۰۰
- ۴۰۱ فصل بیست و هفتم - نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه «اجرای احکام مدنی»
- ۴۱۳ فصل بیست و هشتم - حرف (ت) برگرفته از فرهنگ فارسی عمید

avabook.com

فصل اول

گزیده‌ای از اصول
قانون اساسی
جمهوری اسلامی ایران

چو ایران نباشد تن من مباد

بگوئید این جمله در گوش باد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل اول

حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران، بر اساس اعتقاد دیرینه‌اش به حکومت حق و عدل قرآن، در پی انقلاب اسلامی پیروزمند خود به رهبری مرجع عالیقدر تقلید آیت‌الله العظمی امام خمینی، در همه پرسی دهم و یازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و پنجاه و هشت هجری شمسی برابر با اول و دوم جمادی‌الاولی سال یکهزار و سیصد و نود و نه هجری قمری با اکثریت ۹۸/۲٪ کلیه کسانی که حق رأی داشتند، به آن رأی مثبت داد.

اصل دوم

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر

او.

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.

۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا، که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله

علیهم اجمعین،

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها،

ج - نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری،

قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را

تأمین می‌کند.

اصل پنجم^(۱)

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که طبق اصل یکصد و هفتم عهده دار آن می‌گردد.

اصل هفتم

طبق دستور قرآن کریم: «وامرهم شوری بینهم^(۲)» و «شاورهم فی الامر^(۳)» شوراها، مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

اصل بیست و پنجم

بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل سی و دوم

هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم گردد، متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۱. اصولی که در مقابل آنها علامت * قرار دارد، در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

[سوره شوری، آیه ۳۸]

۲. و کارشان بر پایه مشورت با یکدیگر است.

[سوره آل عمران، آیه ۱۵۹]

۳. در کار با آنان مشورت کن.

اصل سی و سوم

هیچ‌کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه‌اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.

اصل سی و چهارم

دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد.

اصل سی و پنجم

در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

اصل سی و ششم

حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

اصل سی و هفتم

اصل، براءت است و هیچ‌کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر این‌که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.

اصل سی و هشتم

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

اصل سی و نهم

هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

اصل چهارم

هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اصل چهارم و نهم

دولت موظف است ثروتهای ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوءاستفاده از موقوفات، سوءاستفاده از مقاطعه کاریها و معاملات دولتی، فروش زمینهای موات و مباحات اصلی، دائر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت‌المال بدهد. این حکم باید با رسیدگی و تحقیق و ثبوت شرعی به وسیله دولت اجرا شود.

اصل شصت و یکم

اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است که باید طبق موازین اسلامی تشکیل شود و به حل و فصل دعاوی و حفظ حقوق عمومی و گسترش و اجرای عدالت و اقامه حدود الهی بپردازد.

اصل نودم

هرکسی شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

اصل یکصد و چهارم*

رسیدگی به اتهام رئیس جمهور و معاونان او و وزیران در مورد جرائم عادی با اطلاع مجلس شورای اسلامی در دادگاههای عمومی دادگستری انجام می‌شود.

اصل یکصد و چهارم و دوم*

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل

و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که بر خلاف حق، افزایش نیافته باشد.

اصل یکصد و پنجاه و ششم

قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسؤول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه، که قانون معین می کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای شرع

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین

۴ - کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون

جزائی اسلام

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

اصل یکصد و پنجاه و هفتم*

به منظور انجام مسؤولیت های قوه قضائیه در کلیه امور قضائی و اداری و اجرائی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می نماید که عالیترین مقام قوه قضائیه است.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم*

وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است:

۱ - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسؤولیت های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲ - تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳ - استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و نهم

مرجع رسمی تظلمات و شکایات، دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

اصل یکصد و شصتم*

وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که رئیس قوه قضائیه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

رئیس قوه قضائیه می‌تواند اختیارات تام مالی و اداری و نیز اختیارات استخدامی غیر قضات را به وزیر دادگستری تفویض کند. در این صورت وزیر دادگستری دارای همان اختیارات و وظایفی خواهد بود که در قوانین برای وزراء به عنوان عالیترین مقام اجرائی پیش بینی می‌شود.

اصل یکصد و شصت و یکم*

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسؤولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم*

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رئیس قوه قضائیه با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و سوم

صفات و شرایط قاضی طبق موازین فقهی به وسیله قانون معین می‌شود.

اصل یکصد و شصت و چهارم*

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که

موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه پس از مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل، نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و شصت و پنجم

محاكمات، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آن‌که به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

اصل یکصد و شصت و ششم

احکام دادگاهها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

اصل یکصد و شصت و هفتم

قاضی موظف است کوشش کند. حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.

اصل یکصد و شصت و هشتم

رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند.

اصل یکصد و شصت و نهم

هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود.

اصل یکصد و هفتادم

قضات دادگاهها مکلفند از اجرای تصویب نامه‌ها و آئین نامه‌های دولتی که مخالف با قوانین و مقررات اسلامی یا خارج از حدود اختیارات قوه مجریه است خودداری کنند و هرکس می‌تواند ابطال این‌گونه مقررات را از دیوان عدالت اداری تقاضا کند.

اصل یکصد و هفتاد و یکم

هرگاه در اثر تفسیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

اصل یکصد و هفتاد و دوم

برای رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی یا انتظامی اعضاء ارتش، ژاندارمری، شهربانی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، محاکم نظامی مطابق قانون تشکیل می‌گردد، ولی به جرائم عمومی آنان یا جرائمی که در مقام ضابط دادگستری مرتکب شوند در محاکم عمومی رسیدگی می‌شود.

دادستانی و دادگاههای نظامی، بخشی از قوه قضائیه کشور و مشمول اصول مربوط به این قوه هستند.

اصل یکصد و هفتاد و سوم*

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد.

حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم*

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور اجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه

تشکیل می‌گردد.

حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

اصولی از قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ که در بازنگری مصوب ۱۳۶۸ تغییر یافته است.

اصل پنجم

در زمان غیبت حضرت ولی عصر «عجل الله تعالی فرجه» در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوی، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که هیچ فقیهی دارای چنین اکثریتی نباشد رهبر یا شورای رهبری مرکب از فقهای واجد شرایط بالا طبق اصل یکصد و هفتم عهده‌دار آن می‌گردد.

اصل پنجاه و هفتم

قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت، بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می‌گردد.

اصل یکصد و پنجاه و هفتم

به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه شورائی به نام شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد که بالاترین مقام قوه قضائیه است و وظایف آن به شرح زیر می‌باشد:

۱- ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و

ششم.

۲- تهیه لوایح قضائی متناسب با جمهوری اسلامی.

۳- استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل مأموریت و تعیین

مشاغل و ترفیع آنان و مانند اینها از امور اداری، طبق قانون.

اصل یکصد و پنجاه و هشتم

شورای عالی قضایی از پنج عضو تشکیل می‌شود:

- ۱- رئیس دیوان عالی کشور.
 - ۲- دادستان کل کشور.
 - ۳- سه نفر قاضی مجتهد و عادل به انتخاب قضات کشور.
- اعضای این شورا به مدت پنج سال و طبق قانون انتخاب می‌شوند و انتخاب مجددشان بلامانع است.
- شرایط انتخاب شونده و انتخاب کننده را قانون معین می‌کند.

اصل یکصد و شصتم

وزیر دادگستری مسؤولیت کلیه مسائل مربوط به روابط قوه قضائیه با قوه مجریه و قوه مقننه را بر عهده دارد و از میان کسانی که شورای عالی قضایی به نخست‌وزیر پیشنهاد می‌کند انتخاب می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و یکم

دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسؤولیتهایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که شورای عالی قضائی تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد.

اصل یکصد و شصت و دوم

رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل باید مجتهد عادل و آگاه به امور قضائی باشند و رهبری با مشورت قضات دیوان عالی کشور آنها را برای مدت پنج سال به این سمت منصوب می‌کند.

اصل یکصد و شصت و چهارم

قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصویب اعضای شورای عالی قضائی به اتفاق آراء. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند صورت می‌گیرد.

اصل یکصد و هفتاد و سوم

به منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها با آئین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام دیوان عدالت اداری زیر نظر شورای عالی قضائی تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.

اصل یکصد و هفتاد و چهارم

براساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجراء صحیح قوانین در دستگاههای اداری سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر شورای عالی قضائی تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۱۵۰ تاریخ ۱۳۷۳/۶/۲۱

هیچیک از مقامات دولتی نمی‌توانند افراد ملت ایران را از حقوقی که قانون اساسی به آنها داده است محروم کنند.

مستخرج از قانون مدنی

ماده ۹۵۸: هر انسان متمتع از حقوق مدنی خواهد بود، لیکن هیچکس نمی‌تواند حقوق خود را اجراء کند مگر اینکه برای این امر اهلیت قانونی داشته باشد.

ماده ۹۵۹: هیچکس نمی‌تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از حقوق مدنی را از خود سلب کند.

ماده ۹۶۰: هیچکس نمی‌تواند از خود سلب حریت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا اخلاق حسنه باشد از استفاده از حریت خود صرفنظر کند.

فصل دوم

نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه «وکالت در محاکم»^(۱)

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۵۰۶ مورخ ۷۰/۱۲/۲۶

منظور از کلمه وکیل در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام وکیلی است که واجد شرایط مذکور در ماده ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی و سایر قوانین باشد و اصولاً این کلمه در عرف قضایی و حقوقی منصرف به وکلای مجاز یا به تعبیری دیگر وکلای دادگستری است و عدم قید دادگستری تأثیری در این امر ندارد کما اینکه در مواد ۳۱۳ و ۳۱۴ و تبصره آن، ۳۱۵، ۳۲۶، ۳۳۰ و ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری و مواد ۳، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۲۳ و ۲۵ مقررات تشکیل محاکم جنایی و مواد قانون آیین دادرسی مدنی نیز همه جا کلمه وکیل به صورت مطلق و بدون قید دادگستری ذکر شده است. مصوبه مجمع برای حفظ حرمت وکلاء در دادگستری و لزوم نقض آرای است که با سلب حق تعیین وکیل از اشخاص و یا عدم اجازه دخالت وکلاء آنان صادر شده است و همچنین تجویز دخالت وکیل با شرایط خاص در دادگاه ویژه روحانیت است نه برای تعمیم اجازه وکالت دادگستری به هر فرد بی اطلاع، نالایق و فاسدالعقیده ... و مذاکرات مجلس که اظهارات بعضی از وکلاء است فقط در حد اظهار نظر اظهارکننده یا عقیده شخصی که آن را عنوان کرده است می باشد. اما عنوان تفسیر قانون و یا تبیین آن را ندارد و قانوناً قابل استناد نیست. بنابراین با تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مقررات و شرایط وکالت در دعاوی نسخ نشده و مقررات و شرایط مربوط به وکالت در دعاوی به قوت خود باقی است.

۱. مجموعه کامل نظریات مشورتی پیرامون «امر وکالت» را در جلد پنجم بخوانید.

رای وحدت رویه شماره ۷۱۴ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۱

هیأت عمومی دیوان عالی کشور

طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید... و هیچ کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد» انتخاب وکیل هم بنا به حکم مقرر در اصل سی و پنجم قانون اساسی از حقوق اصحاب دعواست و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز با تأکید بر حق متداعیین در انتخاب وکیل، در ماده ۲ مقرر داشته: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند.» و در ماده ۳۹ تصریح کرده: «در صورتی که وکیل استعفای خود را به دادگاه اطلاع دهد، دادگاه به موکل اخطار می‌کند که شخصاً یا توسط وکیل جدید، دادرسی را تعقیب نماید...» همچنین قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در فصل هشتم در قسمت اخیر ماده ۳۴ یادآور شده که اجرای مقررات این فصل نباید حق تظلم و مراجعه مستقیم و بدون مانع اشخاص به دادگاه‌ها و دیوان عالی کشور را از آنان سلب نماید، بنابراین به نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور برای اقامه دعوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و دادنامه شماره ۱۲۲۰ - ۱۳۸۵/۸/۲۷ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد نتیجتاً صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌گردد.

این رای طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۷۹۲ به تاریخ ۱۳۷۶/۶/۲۵

پذیرش وکیل غیروکیل دادگستری در دادگاههای تعزیرات فاقد اشکال قانونی است

نظریه مشورتی شماره ۷/۴۲۴۲ به تاریخ ۱۳۶۱/۸/۱۳

اقدامات وکیل پس از فوت موکل نافذ نیست و فصولی شناخته می‌شود.

(ر.ک): ماده ۶۷۸ قانون مدنی

نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۲/۳/۲۲

مطابق ماده ۲ قانون اجرای احکام مدنی صدور اجرائیه موکول است به تقاضای محکوم له یا نماینده و قائم مقام قانونی وی و نماینده شخصی است که مطابق درخواست محکوم له و به نیابت از وی می تواند صدور اجرائیه را درخواست نماید. بنابراین نماینده مذکور در ماده ۲ قانون مرقوم می تواند غیر وکیل دادگستری باشد.

نظریه شماره ۷/۹۹۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۹

۱- چنانچه وکالتنامه ای مستند به وکالتنامه بلاعزل با حق توکیل به غیر باشد، موجبی برای فسخ و ابطال آن جز صدور حکم قضایی وجود ندارد.
۲- چنانچه عزل وکیل مقید به زمان شود و این قید زمان ضمن عقد خارج لازم صورت گرفته و در وکالتنامه قید گردد، قبل از موعد عزل وکیل معتبر نیست.

نظریه شماره ۷/۵۷۲۷ به تاریخ ۱۳۷۷/۹/۱۱

وجود حق توکیل در وکالتنامه و انتقال کلیه اختیارات مندرج در وکالتنامه به شخص ثالث هر چند جمله، ولو کراراً ذکر نشده باشد سلب اختیار حق توکیل از شخص ثالث نمی کند.

(ر.ک. ماده ۶۷۳ قانون مدنی)

اگر وکیل که وکالت در توکیل نداشته انجام امری را که در آن وکالت دارد به شخص ثالثی واگذار کند هر یک از وکیل و شخص ثالث در مقابل موکل نسبت به خساراتی که مُسبب محسوب می شود مسئول خواهد بود.

نکته (۱): وکالت در دیوان عدالت اداری مستلزم داشتن وکالت پایه یک دادگستری می باشد.

نکته (۲): اگر وکیل قبل از گفتن ایجاب و پیش از قبول طرف دیگر فوت شود قبول پیشنهاد او هیچ اثری ندارد.

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۶۹ به تاریخ ۱۳۷۹/۱/۱۴

با توجه به اینکه وکالت در دادگستری مستلزم داشتن پروانه وکالت است و غیر از وکلای دادگستری نمی‌توانند در مراجع قضایی وکالت کنند در صورتی که غیروکیل دادگستری دارای حق توکیل به غیر باشد، تفویض وکالت برای دادرسی بلامانع است و دادگاهها مکلف به پذیرش هستند.

نظریه شماره ۷/۵۰۸۰ به تاریخ ۱۳۸۰/۱۰/۴

باید بین امور مدنی و کیفری و مراحل مختلف رسیدگی کیفری فرق گذاشت به این طریق که در امور مدنی و همچنین در امور کیفری پس از پایان تحقیقات مقدماتی و تعیین وقت، وکیل اصحاب دعوا می‌تواند به پرونده مراجعه و آن را مطالعه و خود را آماده برای دفاع نماید و مدیر دفتر باید پرونده را در اختیار او بگذارد و نیازی به کسب اجازه از دادگاه ندارد. اما در مرحله تحقیقات با توجه به ماده ۱۲۸ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و تبع آن کسب اجازه از دادگاه لازم است.

نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه شماره ۷/۶۴۴۴ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۸

برابر بند ۳ ماده ۶۷۸ قانون مدنی عقد وکالت به موت یا جنون وکیل یا موکل مرتفع می‌شود و از این جهت فرقی بین وکالت مطلق و بلاعزل نیست. بنابراین اگر عقد وکالت در ضمن عقد لازمی مانند عقد نکاح به صورت شرط درآید بقاء آن تا وقتی است که ماهیت وکالت بعلت جنون یا فوت احدی از طرفین عقد منتفی نشده باشد و با انتفاء آن موردی برای استفاده باقی نمی‌ماند.

نظریه شماره ۷/۹۱۰ به تاریخ ۱۳۷۷/۲/۳

وکالت در دادگستری مختص وکلای دادگستری می‌باشد که دارای پروانه وکالت از کانون وکلا می‌باشند و وکالت تفویضی در محاضر اسناد رسمی به غیر وکیل دادگستری از جهت وکالت در دعای مطروحه در دادگستری فاقد ارزش می‌باشد مگر در مواردی که قانوناً نیاز به دخالت وکیل دادگستری نباشد و هر وکیلی حق مداخله داشته باشد از قبیل امور حسبی

نظریه مشورتی شماره ۷/۵۳۲۵ به تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۰

الزام خواننده به تنظیم وکالتنامه رسمی، دعوی غیرمالی است
(رجوع کنید به ماده ۵۰۳ قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹)
تذکر: موکل در هر حال می‌تواند مورد وکالتی را که به دیگری وکالت داده است شخصاً نیز انجام دهد.

فصل سوم

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

ماده (۱) قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹

آیین دادرسی مدنی، مجموعه اصول و مقرراتی است که در مقام رسیدگی به امور حسبی و کلیه دعاوی مدنی و بازرگانی در دادگاههای عمومی، انقلاب، تجدیدنظر، دیوان عالی کشور و سایر مراجعی که به موجب قانون موظف به رعایت آن می‌باشند به کار می‌رود.

نکته: نگرش ما نسبت به قانون نباید نگرش تبعیدی باشد، قانونمندی و اطاعت از آن الزامی است لکن تلاش برای اصلاح آن یک واجب است.

دعاوی مالی و غیر مالی مفهوم و مصادیق آن

در تشخیص خواسته مالی و غیر مالی هیچ ملاک و ضابطه‌ای از طرف مقنن تعریف نشده و مصادیق آن نیز بصورت حصری بیان نگردیده به همین جهت در تشخیص دعوی مالی از دعوی غیر مالی اختلافات بسیاری وجود داشته و دارد.

در تشخیص دعوی مالی و غیر مالی اگر خواسته ذاتاً و مستقیماً، قابلیت ارزیابی و تقویم داشته باشد آن را در اصطلاح خواسته مالی گویند همانند مطالبه طلب، وجه چک، سفته، برات، حواله و امثالهم.

اگر خواسته دعوی ذاتاً مالی نبوده و قابلیت تقویم به پول رایج را نداشته باشد آن را در اصطلاح خواسته غیر مالی گویند.

توجه می‌دهد: اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و مالی بودن دعوی نیازمند به دلیل و نص است فلذا اگر شک و تردید نمودیم عدم جاری^(۱) و دعوی را غیر مالی محسوب می‌نمایم.

چراکه مالی دانستن دعاوی نوعی رنج و مشقت و سختی، برای مردم محسوب می‌گردد در برخی کشورهای پیشرفته و ممالک متمدنی و توسعه یافته عمدتاً اصل بر غیر مالی بودن دعاوی قرار گرفته و دعاوی مالی نیز احصاء شده‌اند.

مصادیق دعاوی مالی:

خواسته مالی که تعیین بهای آن در هنگام تقدیم دادخواست مقدور است و نتیجه آن برای خواهان دارای آثار مالی است فلذا خواهان مکلف است خواسته خود را تقویم نماید و در غیر این صورت به موجب ضمانت اجرای ماده ۵۴ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر بر بند (۳) از بنود حصری ماده ۵۱ قانون آ.د.م.، ۱۳۷۹ قرار رد دادخواست خواهان از طرف مدیر دفتر دادگاه صادر خواهد شد.

۱. اصل «عدم» را در جلد دوم (جزایی) بخوانید.